

تبیین مولفه‌های کالبدی منظر باغ‌های تاریخی شیراز در بین بانوان (صفحات ۱۰۱ تا ۱۲۶)

DOR:20.1001.1.17358663.1399.15.3.4.9

نوع مقاله: پژوهشی

مژده مختاری^۱ * منصور یگانه^۲ * رضا افهمی^۳

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

چکیده

باغ‌های تاریخی به مثابه منظری شفابخش به عنوان بستر تاثیرگذار بر فرهنگ، جسم، روح و ذهن استفاده‌کنندگان خاصه زنان، باید زمینه‌ساز آرامش روانی و ذهنی و فرهنگ‌سازی استفاده‌کنندگان با محیط پیرامون خود به منظور شفابخشی را فراهم کند. در همین راستا، در این مقاله هدف اصلی ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی بر کیفیت شفابخشی منظر بانوان بوده است. این مقاله با توجه به روش، توصیفی-تحلیلی است و بر اساس هدف، کاربردی می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت اسنادی و پیمایشی با ابزار پرسشنامه است و تحلیل داده‌ها به کمک تحلیل عاملی و آزمون رگرسیون چند متغیر در SPSS و مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط Amos صورت پذیرفته شده است. جامعه آماری شامل بانوان مراجعه‌کننده به باغ‌های تاریخی ارم، دلگشا، تخت، خلیلی، جهان‌نما، نارنجستان قوام، ارگ کریم‌خان، نظر، هفت تنان و جنت بوده است که حجم نمونه ۱۸۰ نفر در نظر گرفته شده است. یافته‌های حاصل از بررسی تحلیل عاملی تاییدی به کمک مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد که ۷۳/۴ درصد از تغییرات در کیفیت شفابخشی منظر بانوان تحت تاثیر بارهای عاملی مربوط به مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی قرار دارد که بر اساس آن در راستای کیفیت شفابخشی منظر در باغ‌های تاریخی راهکارهایی هم‌چون فرهنگ‌سازی، جلوگیری از به وجود آمدن فضاهای رها شده در باغ‌های مطالعاتی، عدم ساخت مسیرهای طولانی به نحوی که در طول آن هیچ مسیر دیگری با آن تداخل نداشته باشد، اختصاص فضاهایی خاص به زنان در باغ‌های مطالعاتی، اختصاص فضاهایی فقط به منظور استفاده بانوان و ... ارائه شده است.

واژگان کلیدی: باغ تاریخی، کیفیت شفابخشی منظر، تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی، بانوان، شیراز.

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. mozhdeh_mokhtari@yahoo.com

۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

yeganeh@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۱- بیان مسئله

انسان به لحاظ پیچیدگی دارای انگیزش های متفاوت مادی و معنوی و روحی است. لذا طراحان توجه ویژه ای به این نیازها، رفتارها و درک انسان ها از فضا و شناخت این تفاوت ها دارند. تفاوت در جنسیت و فرهنگ، زنان و مردان را متمایز ساخته و شیوه نگرش آن ها را به دنیا شکل داده است. همزیستی تکامل یافته انسان و طبیعت چه به لحاظ سلامت و تندرستی و چه به لحاظ تامین نیازهای روحی و روانی موجب شکل گیری هویت و تجربه های محیطی همچون تفریح، شادابی و سرزندگی، و آرامش (روح و ذهن) نیز می شود. عدم این ارتباط می تواند پیامد هایی همچون استرس، ناتوانی و نگرانی را به همراه داشته باشد. لذا بشر در تلاش برای ارتباط با طبیعت با فرم های مختلف در راستای سلامت روحی و رفع نیازهای خود است که نتایج مثبت و تاثیرات آن بر روح و جسم همواره مورد توجه پژوهشگران می باشد. در این راستا باغ های تاریخی به مثابه منظری شفابخش و فرهنگی به عنوان بستر تاثیرگذار بر جسم، روح، روان و ذهن استفاده کنندگان خاصه زنان، باید زمینه ساز آرامش روانی و ذهنی استفاده کنندگان با محیط پیرامون خود به منظور شفابخشی را فراهم کند. توجه به مولفه های فضاها، سبب بهبود و طراحی صحیح و تاثیرات مثبت بر روح و روان افراد استفاده کننده اینگونه فضاها می شود. دستیابی به نظم حاکم بر باغ ایرانی در زمان طولانی و همراه تحولات تمدن و شکل گیری فرهنگ ایرانی حاصل شده است. همواره در پشت کالبد باغ ایرانی معنایی نهفته بوده است که این معانی در طول تاریخ شکل خود را به صورتی عوض کرده است؛ اما نباید از این مهم غافل شد که یکی از علل پایدار ماندن باغ ایرانی در طول تاریخ همین معانی بوده اند، امری که شاید اکنون در بوستان های سبز شهری در راستای تشفی روحانی و شفابخشی منظر به ندرت از آن بهره گرفته می شود. منظر، نتیجه تعامل های پیچیده و متعدد بین انسان و طبیعت است و با شکل گیری در فضای بیرون، همواره در راستای تعامل با انسان است. در واقع منظر را می توان جلوه ای از ادراک محیط، فرهنگ و باور دانست. حق تساوی استفاده از فضاها برای زنان به عنوان نیمی از بهره برداران فضا باید محفوظ باشد. با توجه به تفاوت در نوع نیاز، نحوه ادراک محیط و الگوهای رفتاری، نادیده گرفتن تفاوت ها می تواند محدود شدن حضور زنان را در پی داشته باشد. لذا رویکردهای جدیدی برای تامین رضایت بیشتر زنان از فضاها با هدف رفع نیازها و

کاهش محدودیت زنان بوجود آمده که موجب سلامت جسمی و روحی و روانی در آن‌ها می‌شود. با توجه به اهمیت و نقش منظر در تعامل انسان و محیط خاصه زنان از گذشته تاکنون در راستای شفابخشی منظر، در بعضی از موارد دیده می‌شود که برخی از مناظر شهری در ارتباط با مخاطب بسیار ضعیف عمل نموده و نمی‌توانند هیچ رابطه‌ی احساسی را با مخاطب برقرار نمایند. در این مقاله به تبیین مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی به منظور کیفیت شفابخشی منظر برای بانوان در باغ‌های تاریخی مطالعاتی پرداخته شده است. در همین راستا هدف اصلی را می‌توان ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی بر کیفیت شفابخشی منظر بانوان تعریف نمود که بر اساس آن سوال اصلی بدین شرح می‌باشد: کدام مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی بر کیفیت شفابخشی برای بانوان مؤثر است؟

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

مروری بر نظریات روان‌شناسان محیط در بخش تأثیر متقابل انسان و محیط نشان می‌دهد که اغلب پژوهشگران و رفتارشناسان علاوه بر معرفی ویژگی‌های این نظریات همواره بر تأثیرات محیط بر سلامت (شفای) جسم و روان انسان تأکید کرده‌اند از این رو رویکردی تحت عنوان شفابخشی را می‌توان به عنوان راهکاری موثر و سودمند در این زمینه مطرح نموده و طراحی محیط‌هایی شامل رویکرد شفابخشی را به علت داشتن عناصر، ویژگی‌ها و کیفیات خاص، موجب کاهش تنش و افزایش سطح سلامت افراد قلمداد کرد. به ویژه در این عرصه، در نظرگیری منظر با رویکرد شفابخشی تحت عنوان منظر شفابخش، راهکاری حایز اهمیت در جهت کاهش یا رفع مسائل مربوطه به نظر می‌رسد. ایده باغ‌های شفابخش بین منظر و سلامت ارتباطی قوی می‌یابد. برای اولین بار در رابطه با مراکز درمانی مانند بیمارستان‌ها توسط نظریه پرداز آلمانی هوشفیلد در اواخر قرن هجدهم مطرح شد (Cooper Marcus & Bames, 1999). طراحی با طبیعت به عنوان یک نظریه طراحی، همزمان با جنبش‌های زیست محیطی در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط مک‌هارگ مطرح شد که به لحاظ اکولوژیکی و حفظ تعادل محیطی در شهر به ارائه راه‌حلی در انطباق با طبیعت، بها می‌دهد (امین زاده، ۱۳۸۶: ۲۹۳). منظر

با رویکرد درمانی (چشم انداز شفابخش) را اولین بار ویلبرت ام. گسler در سال ۱۹۹۱ در کتاب جغرافیای فرهنگی بهداشت و درمان مطرح نمود و به بررسی چگونگی تاثیر محیط در فرد پرداخته و عواملی چون طبیعت، محیط ساخته شده و فضای سبز را در سلامت روانی فرد موثر دانست (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۸). وی تلاشی پیگیر برای احیای مفهوم سلامت به عنوان کیفیتی کمتر طبی و بیشتر مرتبط با تجربه های زندگی روزمره می نماید و به علت عدم کفایت نوآوری های پزشکی عصر حاضر برای درمان، گرایش دوباره به مناظر درمان گر را امری ضروری تلقی می کند (Gesler, 1991). در حدود ۴۰ سال اخیر پژوهش های تجربی متعددی روی روابط میان شفابخشی و در معرض طبیعت بودن صورت گرفته است. از محققین پایه گذار این عرصه می توان افرادی مانند راجر اولریک (۱۹۷۹)، راشل کاپلان و استفان کاپلان (۱۹۸۳)، ادوارد ا. ویلسون (۱۹۸۴)، کالت پارسونز (۱۹۹۱)، نانسی ژرلاک اسپریگز و همکاران (۱۹۹۸)، مارتا ام. تیسون (۱۹۹۸)، کلر کوپر مارکوس و همکاران (۱۹۹۹)، ماری بارتز (۱۹۹۹)، هاروارد فرامکین (۲۰۰۰) و هانس من (۲۰۰۷) را نام برد. کاپلان خستگی ناشی از ارتباطات روزمره و کسل کننده را «خستگی روانی» می نامد که منجر به کج خلقی، حساسیت، بداخلاقی، کاهش تحمل، افزایش اشتباه، افزایش ریسک پذیری، و موارد دیگر می شود (Hartig, Mang, Evans, 1996: 383) و همچنین تعریف دیگر فرایندی است که قابلیت های فرد با نیازهای محیط ادراکی پاسخگو نباشد، اگر موقعیت و یا واقعه ای ناخوشایند و ترسناک، آرامش فرد را به چالش بکشد در نتیجه فشار روانی رخ می دهد که معمولاً با احساسات منفی همراه است. منظر، فرد را از تنش و استرس روحی رها کرده و سبب تجدید قوای فرد می شود (Hansmann, 2007: 214). این دیدگاه در مقابل پیش زمینه «اولریچ» مبنی بر نظریه کاهش تنش های عصبی و نظریه کاپلان مبنی بر نظریه تجدیدی قوای (Kaplan & Kaplan, 1989) منطقی به نظر می رسد. طبق این دیدگاه محیط طبیعی به صورت قیاسی منجر به ایجاد حس تجدید قوا و رهایی از تنش های عصبی می شود. به طور خلاصه، اولریچ دریافت بهبود و رهایی از استرس را شامل تغییرات مثبت متعددی می داند که در سیستم فیزیولوژیکی و رفتار فرد رخ می دهد، اغلب در این مرحله بر عملکرد فرد هم تأثیر می گذارد (Ulrich, 1986: 31). مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که مشاهده مناظر طبیعی (محرک وجه دیداری و بصری) و در معرض

عناصر طبیعی قرار گرفتن (محرک حس لامسه، بویایی، شنیداری) می تواند عوامل تنش زای روان شناختی را کاهش داده و رفاه بیولوژیکی را افزایش دهد، همچنین سبب بهبود اضطراب های درونی شود. بسیار تأکید شده است که مناظر به خصوص مناظر ملایم و مطلوب به سرعت احساسات فرد را برانگیخته و در رفع تنش فرد مؤثر است، همچنین دوری گزینی از عصبانیت، خستگی و آسودگی از علایم فیزیکی را به همراه دارد (Parsons, 1991). مروری بر پژوهش محققان در بخش بازخوانی مناظر شفابخش نشان می دهد که این مناظر علاوه بر ایجاد حس آرامش در انسان، او را به تمرکز حواس و اندیشه دعوت می کند. در این تحقیق تلاش شده با یافتن پارامترهایی به عنوان اصول طراحی مناظر شفابخش و تطبیق این عناصر با شاخصه های باغ ایرانی، افزایش انگیزه ای برای بازآفرینی الگوی منظر باغ ایرانی و امکان حضور مجدد آن به عنوان عاملی برای ارتقای نحوه ادراک بازدید کننده در محیط شهری معاصر را سبب شویم. در واقع مکانی فراهم شود که مردم در مجاورت گیاه، آب و سایر عناصر از ازدحام انسان ها و عناصر دست ساختش جدا کند و با کنترل حواس پنج گانه فرصتی برای بازیابی روان و آرامش از دست رفته خود پیدا کند (نیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۶). همچنین به طور کلی موضوع شفابخشی منظر که سوابق ویژه آن در جهان مطرح گردید، در ایران در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته و تحقیقاتی در این باب انجام شده است.

حوزه ی شهری و فضاهای عمومی عرصه ای است که نابرابری و تبعیض جنسیتی در آن دیده می شود، به گونه ای که ادعا می شود زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت های متفاوتی تجربه می کنند و به عبارت دیگر زنان به طور یکسان با مردان از فضاهای شهری بهره مند نمی شوند و به زعم برخی مفسرین شهری، شهرها محصول برنامه ریزی های شهری مردانه است و شهرسازی مدرن در ماهیت خود خصیصتی پدرسالارانه دارد، گویا شهرسازی مدرن از ارزش ها و هنجارهای مردانه تبعیت می کند (مهدیزاده، ۱۳۸۷: ۶). همچنین امروزه ماهیت بیشتر فضاهای شهری جنسیتی شده و در عمل فضاهای شهری تحرک آزادانه ی زنان را محدود می کنند. به عقیده ی بسیاری از محققان، محدودیت ها و حصارهای فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه های عمومی باعث شده است که آنها نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیر لازم از صورت مسئله ی فضاهای شهری

و عرصه های عمومی حذف کنند و نیازهای فضایی خود به عنوان یک شهروند را منکر شوند (گلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱). در این راستا در دهه های اخیر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، توجه به نیازهای ویژه بانوان از سوی برنامه ریزان شهری مطرح شده است، چراکه نیمی از شهروندان را بانوان تشکیل می دهند. پارک ها و فضای سبز مختص بانوان، به عنوان یکی از مهمترین مراکز خدمات رفاهی و تفریحی بوده است که علاوه بر جنبه ی بهداشتی و روانی، در توسعه ی پایدار شهری و بهبود کیفیت زندگی بانوان اهمیت بالایی دارد. در اغلب مطالعات، بر پارک ها و فضای سبز شهری به عنوان عامل مهمی که می تواند کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقاء دهد تأکید شده است. پژوهش های محققان ایرانی و مطالعات خارج از ایران نشان می دهد که الگوهای فراغت زنان شهری، از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می کند (سرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷).

۲-۲- ادبیات نظری

فضاهایی در طول تاریخ در تعامل با انسان موفق عمل نموده اند که به عنوان یک مکان شناخته شده اند. اشیای گوناگون و رفتارهای مختلف احتیاج به مکان های متفاوت دارند. مکان، جا یا قسمتی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارد صاحب هویت خاصی شده است (حیبی، ۱۳۸۳: ۱۸۳). انسان جهت برقراری ارتباط و تعامل با محیط نیازمند کسب اطلاعات از محیط اطراف خود است که بخش اصلی این فرآیند توسط اندام های حسی انسان دریافت پردازش می شود. در واقع، اطلاعات دنیای اطراف به واسطه حواس به ما می رسد. با توجه به نوع ارتباط با محیط در بانوان از طریق ادراک حسی، یکی از مهم ترین و ضروری ترین ابعادی که در طراحی محیط های اختصاصی بانوان باید به آن دقت شود؛ فرایند احساس، ادراک و شناخت محیطی است که تجربه مکان را برای بانوان هموار می سازد (براتی و سلیمان نژاد، ۱۳۹۰: ۲۰). در باغ تاریخی ایرانی نیز به عنوان یک مکان استفاده کنندگان از فضا می توانند تجاربی را کسب نمایند. در دایره المعارف اسلامی در توضیح واژه باغ آمده است: محوطه ای غالباً محصور، ساخته انسان که بر قواعد هندسی و باورها مبتنی است (دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۱: ۲۰۶).

باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است و معمولاً به صورت محدوده‌ای محصور که در آن گیاه، آب و ابنیه در نظام معماری مشخصی باهم تلفیق می‌شوند و محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان به وجود می‌آورد، ساخته می‌شود. باغ ایرانی، رابطه تنگاتنگ طبیعت و پیشینه فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد و بیانگر سازگاری میان نیازهای انسان و طبیعت است (ایرانی بهبهانی، ۱۳۸۵: ۸۵). باغ ایرانی فضای سبز و منظم، در واقع الگویی ابتدایی و قدیمی است که پیچیده‌ترین نیازهای انسان را برآورده می‌کند و علایم بیرونی و قابل رؤیت از شکوهی درونی غیر قابل رؤیت را عرضه می‌کند و نظم و معنایی ابدی در تلاطم بحران دنیوی، زندگی جاودانی علی‌رغم فناپذیری و آرامش بعد از هیاهو را وعده می‌دهد (مقتدر و دیگران، ۲۰۰۴، به نقل از مجبلی: ۲۶). هم‌چنین، ارزیابی منظر رسمی معمولاً مجموعه دسته‌های ارزش با استفاده از معیارهای پیشنهادی (زیباشناختی، تاریخی، علمی و ...) تعریف می‌شود. این رویکرد در رویکردهای ملی به ارزیابی چشم منظر در حقوق و سیاست به خوبی پشتیبانی می‌شود. جنت اشاره می‌کند رشته‌ها مناظر را به عنوان یک آثار زیست محیطی، فرهنگ مادی، منابع بصری، یک استعاره، یک تصویر هنری، ایدئولوژی و عامل روابط گوناگونی تعریف می‌کنند (Stephenson, 2008: 128). امروزه واژه منظر مفهوم جامعی پیدا کرده است. برخی از صاحب نظران آن را تعریف فراگیری از محیط طبیعی، شامل تمام شاخصه‌های بوم‌شناسانه، علوم طبیعی و خصوصیات فیزیکی زمین و شرایط آن و همچنین محیط انسان ساخت دانسته‌اند. گستردگی و جامعیت مفهوم منظر، نشان‌دهنده گستردگی مفاهیم دیگر مرتبط با منظر از جمله معماری منظر است. زیرا گستره وسیع آن تمامی ابعاد محیط طبیعی تا محیط‌های انسان ساخت را در بر گرفته و همچنین تمامی فعالیت‌های انسان را برای تغییر محیط در طول حیات بشری به نمایش گذاشته است. معماری منظر را «جالز والدهیم» به عنوان یک رشته طراحی میانی خواند که در فضاهای میان ساختمان‌ها، نظام زیر ساختی و اکولوژی طبیعی فعالیت دارد (Peart, 2003). در بررسی پیشینه ارتباط انسان و طبیعت، در گذشته و در فرهنگ‌های گوناگون مناسبات گوناگونی میان انسان و طبیعت برقرار بوده است. به دنیا آمدن انسان در طبیعت، رشد او در طبیعت و در نهایت بازگشت او به طبیعت، اصلی بود که انسان‌های دوره باستان آن را درک می‌کردند و زندگی خود را بر پایه آن بنا کرده بودند. انسان‌های باستان در رابطه‌ای

مستقیم با طبیعت بوده و علاوه بر تامین نیازهای مادی، نیازهای معنوی خود را نیز از طریق طبیعت تأمین می کردند. طبیعت برای آن ها، مرجعی برای نیروهای آفریننده و فضایی رازآلود و نیازمند ستایش بود. آن ها طبیعت را مقدس و وسیله ای برای رسیدن به کمال و جذب نیروهای مقدس می دانستند، در نتیجه آن را به گونه ای ناخودآگاه برای تحقق اهدافشان تغییر می دادند. به همین سبب در بسیاری از مناظر برجای مانده از حضور انسان در گذشته، اطلاعات زیادی شامل شیوه اندیشیدن انسان در مورد طبیعت و نیز چگونگی رابطه ی مردم با محیط و فرهنگ مردم آن دوره قابل مشاهده است (پوردیهیمی و سیدکلل، ۱۳۹۱: ۱۷).

یکی از عوامل موثر در شکل گیری منظر را می توان بدین شرح مطرح نمود که جنبه کالبدی چشم انداز (منظر) را موقعیت جغرافیایی افراد تعیین می کند. جنبه روانشناسی چشم انداز (منظر) را ساختارهای ذهنی، که از طریق آنها حسی تفسیر می شود، تعریف می کنند (Turner, T. 1996: 117). سایمون بل معتقد است ارزیابی خصوصیات منظر کیفیت و ظرفیت را مشخص می کند و در این مورد با بررسی ابعاد منظر به تحقیق در راستایی ارزیابی منظر پرداخته شده است. سیف الدینی معتقد است که منظرسازی به هر فعالیتی اشاره می کند که ویژگی های مشهود یک ناحیه از زمین را تغییر می دهد (سیف الدینی، ۱۳۹۱: ۶). عناصر منظر سازی شامل چهار عامل زیر می شود:

۱. عناصر زنده: شامل پوشش گیاهی زمین، حیوانات، یا آنچه که با آن باغدار گفته می شود یعنی هنر رشد دادن گیاهان با هدف ایجاد یک محیط زیبا در درون منظر است.
۲. عناصر طبیعی: از قبیل فرم های سطح زمین، فرم های جلگه ها، فرم های ارتفاعات و آب.

۳. عناصر انسانی: از قبیل ساختارها، ساختمان ها، نرده ها یا دیگر اشیاء مادی که به وسیله انسان ها خلق و نصب شده اند.

۴. عناصر مطلق: مانند هوا و شرایط نور.

هم چنین ویژگی های مکان به شرح زیر است:

الف) ویژگی های کالبدی: هر مکان دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی است که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی یابد. چشم انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنه ها، پیکره فضایی، نشانه ها، عناصر شاخص و غیر شاخص کالبدی، عناصر

اصلی کف و بام، خطوط آسمان، آستانه، مسیرها، حدود، مرز و مواردی از این دست بستری را فراهم می‌آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آن‌ها به درستی امکان‌پذیر نیست و آن‌ها در واقع به حال و هوا و شخصیت محلی مکان قطعیت می‌بخشند (نوربرگ شولتز، ۲۰۰۲: ۱۷۳). کالبد یک مکان با ویژگی‌های تناسبی و شکلی خود دارای جهت‌گیری خاص هندسی است که تأثیر عمده‌ای هم در شکل‌گیری مولفه‌های معنایی و هم در جانمایی کارکردهای شاخص و غیر شاخص مکان دارد و در تصویر و شخصیت منظر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ب) ویژگی‌های عملکردی: علاوه بر کالبد، یک مکان ویژگی‌های منحصر به فرد خود را از حضور کارکردهایی متمایز و فعالیت‌های زیستی مشخص به دست می‌آورد و در سایه روشن زندگی روزمره، فعالیت‌ها و عملکردهای رخ نموده احساس می‌شوند (Harvey, 1996: 23) مولفه‌های عملکردی مکان که در در پرتو مولفه‌های کالبدی امکان وقوع می‌یابد، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به بستر مکان دارند. این که کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد، باعث می‌شود که افراد دلیلی برای وارد شدن به فضا و خروج از آن داشته باشند. نوع فعالیت‌هایی که در مکان روی می‌دهد، سبب کسب بخشی از معنا برای مکان می‌گردند که این امر بخش مهمی از سازمان هویتی منظر می‌باشد و با شخصیت منظر نسبت مستقیم دارد.

ج) ویژگی‌های فرهنگی - معنایی: یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در تبدیل محیط به مکان مؤثر است، کیفیت معنایی محیط می‌باشد. محیط پیرامونی در صورتی می‌تواند به محیطی با معنا تبدیل شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت ارزانی دارد و پیوندی سرشار از معنا را با جهانی متشکل از اشیا و چیزهای مختلف برقرار سازد (نوربرگ شولتز، ۲۰۰۲: ۲۲-۳۱). آنچه از آن به عنوان معنا یاد می‌شود، حاصل تداعباتی است که در آموخته‌ها، تجربه‌ها، فرهنگ و عادات افراد ریشه داشته و ادراک، تصویر ذهنی و برخورد هر فرد را در ارتباط با آن فضا و فعالیت‌های رایج در آن رقم می‌زند (فلاح، ۱۳۹۱: ۴۵). معانی پیش از ما نیز وجود داشته‌اند و تاریخ و زندگی دارند، اما در تعامل با حیات مکانی و زمانی ما دوباره بازسازی و بازتولید می‌شوند (پریتموزیک، ۲۰۰۹: ۴۰). توجه به ویژگی‌های فرهنگی و فرهنگ هر منطقه از مهمترین عواملی است که در فهم و تعریف معانی مرتبط با مکان مؤثر می‌باشد. چراکه هر مکان بستری برای روابط متقابل میان انسان

هاست. در واقع ویژگی فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می کند، در آن تجلی می یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می سازد؛ در نتیجه مولفه معنایی مکان، بستری کیفی و استعاری است برآمده از حضور رویدادها و خاطرات جمعی و به طور کلی آن دست ویژگی هایی که مکان به واسطه ی آن دارای معنا شده است (کیانی و پورعلی، ۱۳۹۰: ۶۳).

همچنین، با توجه به موضوع پژوهش مفهوم دیگری که حائز اهمیت می باشد، طراحی برای زنان است. با بررسی ابعاد رشد انسانی، با صراحت می توان گفت مردان و بانوان متفاوت هستند. روان شناسان این تفاوت ها را در دو دسته فیزیکی و روانی طبقه بندی می کنند. برخی از این تفاوت ها در نوع نگرش و ادراک زنان و مردان از زندگی و پیرامون شان تأثیر بسزایی دارد. بسیاری از این تفاوت ها فیزیکی و بسیاری روحی و روانی هستند. روان شناسان محیطی تفاوت های فیزیکی و روانی را در طراحی فضاها توأمان دارای اهمیت می دانند (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). نقش بانوان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی که در جامعه سنتی به عنوان بخشی از استفاده کنندگان از برخی فضاها به صورت محدود بودند، با تغییر جامعه سنتی به مدرن، حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی پررنگ شد، اما فضاهای معماری و شهری متناسب با این افزایش حضور طراحی نشدند. فضاهای شهری به عنوان ظرف رخداد فعالیت های ضروری، انتخابی و اجتماعی شهروندان و بستر تحقق حیات مدنی، منطقی، تجلی کثرت گرایی، وجود تعاملات اجتماعی و لزوم امکان حضور زنان در این فضاها، ضرورتی انکارناپذیر و غیرقابل اغماض در سنجش مطلوبیت آنها تلقی می شود و متقابلاً فقدان آن، بنحوی معنادار، کاهش قابلیت عمومی بودن فضاهای شهری را موجب می گردد. استفاده از فضای عمومی، تجربه ای است که برای همه ی افراد یکسان نبوده و سن، جنس، طبقه اجتماعی و هویت قومی بر روی شیوه زندگی شهری و درک آنها از فضای عمومی تأثیرگذار می باشد.

با توجه به مرور پژوهش های انجام شده شفابخشی باغ ایرانی تأیید گردیده است و این مؤلفه ها در منابع متفاوت ذکر گردیده اند. براساس نظریه روانشناسی محیط که بر تأثیر متقابل انسان و محیط تأکید می نماید این مؤلفه ها مورد بسط و تدقیق قرار می گیرند. بر این اساس مؤلفه های محیطی تأثیرگذار بر شفابخشی منتج از رابطه انسان با

محیط می باشند و در این راستا محیط توسط محرک های شفابخش خواهد بود و این موارد به عنوان مؤلفه های شفابخشی محیط برگرفته از نظریه مذکور محسوب می شوند. با توجه به بررسی های صورت گرفته برخی از پژوهشگران به بررسی جنبه های شفابخشی باغ های ایرانی پرداخته و در این بین سعی در بیان مولفه ها و اصول حاکم بر این باغ های از لحاظ شفابخشی داشته اند.

۳- روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به روش، توصیفی-تحلیلی است و بر اساس هدف، کاربردی می باشد. شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت اسنادی و پیمایشی با ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری در این پژوهش بانوان و جمعیت آماری باغ های تاریخی ارم، دلگشا، تخت قراچه، باغ خلیلی، باغ جهان نما، نارنجستان قوام، ارگ کریم خانی، باغ نظر، باغ هفت تنان و باغ جنت است. جامعه آماری بانوان مراجعه کننده به باغ های تاریخی شهر شیراز و تعداد نمونه ۱۸۰ نفر می باشد. حجم نمونه به دلیل نامشخص بودن امار مراجعه کنندگان بر اساس روش های آماری مبتنی بر تعداد گزینه های سوال انتخاب می شود به ازای هر گزینه حداقل ۹۸ نفر و تعداد گزینه ها ۱ می باشد که حدود ۱۸۰ نفر منطقی و علمی و روشمند هست. در تدوین پرسشنامه از طیف سنجشی ۵ گزینه ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) استفاده شد. در تجزیه و تحلیل داده های پرسشنامه ای ابتدا به کمک تحلیل عامل اکتشافی در محیط نرم افزار SPSS عوامل مربوط به مؤلفه کالبدی استخراج گردید سپس از طریق آزمون رگرسیون چند متغیره تاثیرگذاری هر یک از عوامل بر مؤلفه های کیفیت شفابخشی منظر مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه مدل سازی معادلات ساختاری داده ها در محیط نرم افزار Amos ترسیم گردید.

محدوده مطالعاتی

شهر شیراز با توجه به غنای تاریخی و وضعیت خاص اقلیمی آن که در پهنه ی دشتی اقلیم گرم و خشک ایران قرار دارد، در این پژوهش به عنوان نمونه انتخاب شد. در میان باغ های تاریخی این شهر که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده اند باغ ارم، باغ دلگشا، باغ تخت، خلیلی، جهان نما، نارنجستان قوام، ارگ کریم خانی، نظر، هفت

تتان و جنت به عنوان نمونه های اولیه مورد مطالعه قرار گرفتند. بعد از بررسی های انجام گرفته برخی از باغ ها به دلایلی نظیر تغییرات در ساختار اولیه، تفاوت های مقیاسی و عوامل محدود کننده کنار گذاشته شد و در نهایت باغ ارم، باغ تخت، باغ جهان نما و باغ دلگشا که نزدیک ترین شکل را به ساختار اولیه خود دارند و همچنین امکان انجام مطالعات میدانی در آن ها وجود دارد، به عنوان نمونه های پژوهش انتخاب شد. (نقشه موقعیت قرارگیری باغ های تاریخی شیراز در بافت شهری در دسترس می باشد).

۴- تحلیل تجربی

ماتریس داده ها برای تحلیل عاملی باید حاوی اطلاعاتی باشد که مناسب بودن داده های مربوطه را نشان دهد این موضوع از طریق آماره بارتلت و KMO^۱ صورت می گیرد. مناسب بودن آماره KMO و آماره بارتلت^۲ حداقل شرط لازم برای تحلیل عاملی است. در آماره بارتلت فرض این است که متغیرها فقط با خودشان همبستگی دارند. رد فرض صفر حاکی از این است که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنی دار است و حداقل شرایط لازم را برای تحلیل عاملی وجود دارد. این آزمون را آزمون کرویت نیز گویند این آماره، معناداری تحلیل عاملی داده ها را می سنجد و اگر این مقدار کمتر از ۰/۰۵ باشد معناداری همبستگی اثبات خواهد شد. در آماره KMO که مقدار آن همواره بین ۰ و ۱ می باشد. در صورتی که مقدار مورد نظر کمتر از ۰/۰۵ باشد، داده ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد، بایستی با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت. اما در صورتی که این مقدار بیشتر از ۰/۷ باشد، همبستگی موجود میان داده ها برای تحلیل داده ها مناسب خواهد بود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶). در این مقاله مقدار KMO برابر ۰/۸۱۲ به دست آمد و چون بالاتر از ۰/۷۵ است، نشان می دهد که وضعیت داده ها (همبستگی های موجود بین داده ها) برای تحلیل عاملی در حد خوب است. از این آزمون برای سنجش مطلوبیت نمونه گیری هم استفاده می گردد. آماره بارتلت (کرویت) نیز در سطح ۹۹ درصد معنی دار است ($X^2=5193/697$ $P=0/0000$) که حاکی از این موضوع است که ماتریس همبستگی که پایه تحلیل عاملی قرار می گیرند در جامعه برابر با صفر نیست. در مرحله بعد عوامل تاثیرگذار بر موضوع شناخته می شوند.

^۱ Kaiser-Mayer-Olkin

^۲ Bartlett Test

به این صورت که عواملی که مقادیر ویژه آن‌ها بیشتر از ۱ بوده است، برای ادامه تحلیل شناسایی و با توجه به درصد واریانس هر کدام از عوامل، عامل قوی تر (عاملی که می‌تواند متغیرهای بیشتری را تعریف کند) انتخاب می‌شود. در ادامه برای رسیدن به حالت مطلوب دوران عامل‌ها به روش واریماکس صورت گرفت. با توجه به جدول شماره یک می‌توان گفت که ۴۴ شاخص مورد بررسی در مجموع در ۶ عامل خلاصه شده‌اند. این عوامل در مجموع بالغ بر ۷۱/۷۲۵ درصد از واریانس را پوشش می‌دهند.

جدول ۱- مجموع واریانس تبیین شده مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی مطالعاتی بر کیفیت شفابخشی منظر بانوان

عوامل	ارزش‌های ویژه آغازین			مجموع مجزور بارهای استخراجی			مجموع مجزور بارهای چرخش یافته		
	مقدار کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	مقدار کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	مقدار کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۲۱/۱۲	۹۷/۳۱	۹۷/۳۱	۲۱/۱۲	۹۷/۳۱	۹۷/۳۱	۲۱/۵	۷۳/۱۸	۷۳/۱۸
۲	۷۲/۳	۸۹/۱۲	۸۶/۴۴	۷۲/۳	۸۹/۱۲	۸۶/۴۴	۵۷/۴	۵۹/۱۴	۳۲/۳۳
۳	۸۹/۳	۸۹/۸	۷۵/۵۶	۸۹/۳	۸۹/۸	۷۵/۵۶	۱۳/۴	۵/۱۱	۸۲/۴۴
۴	۴۴/۲	۶۹/۸	۵۴/۶۲	۴۴/۲	۶۹/۸	۵۴/۶۲	۷۷/۲	۵۹/۱۰	۴۲/۵۵
۵	۵۲/۱	۴۹/۵	۹۴/۶۷	۵۲/۱	۴۹/۵	۹۴/۶۷	۷/۲	۳۱/۹	۷۳/۶۴
۶	۰۹/۱	۷۷/۳	۷۲/۷۱	۰۹۶/۱	۷۷/۳	۷۲/۷۱	۰۲/۲	۹۸/۶	۷۲/۷۱

جدول ۲- ماتریس عاملی چرخش یافته انتخاب مؤلفه‌های کالبدی باغ‌های تاریخی مطالعاتی بر کیفیت شفابخشی منظر بانوان

نام	شاخص‌های بررسی شده (سوالات پرسشنامه)	عوامل					
		۱	۲	۳	۴	۵	۶
X ₁	میزان تقسیم‌بندی فضاها به بخش عمومی و خصوصی	۷۵۹/۰					
X ₂	سلسله مراتب فضایی با توجه به	۵۶۷/۰					

تبیین مولفه های کالبدی منظر باغ های تاریخی شیراز در بین بانوان

					قرارگیری عناصر، ارتفاع، رنگ و اندازه آن‌ها	
	۶۰۹/۰				تقارن بودن عناصر موجود در فضا	X ₃
				۷۲۴/۰	مرکزیت عناصر موجود در فضا	X ₄
					بهره گیری از اشکال هندسی در باغ	X ₅
				۷۴۴/۰	میزان پویایی فضا در باغ با توجه به قرارگیری عناصری هم‌چون آب نما و ...	X ₆
			۵۲۷/۰		ایجاد هویت در باغ با بهره‌گیری از عناصر موجود در باغ	X ₇
				۵۴۱/۰	دید مناسب به فضاهای درون باغ	X ₈
				۵۵۷/۰	دید مناسب به فضاهای بیرون از باغ	X ₉
			۶۵۳/۰	۵۶۹/۰	سرزندگی فضاهای باغ	X ₁₀
			۵۵۷/۰	۷۹۲/۰	رنگ‌های متنوع در باغ	X ₁₁
	۶۷۵/۰				وجود آلودگی صوتی در فضاهای باغ	X ₁₂
			۵۷۲/۰	۶۵۷/۰	میزان هدفمندی فضایی در باغ	X ₁₃
			۴۲۳/۰		تفکیک قلمرویی در باغ	X ₁₄
			۶۷۸/۰		روشنایی فضاها در شب	X ₁₅
			۵۹۷/۰		استفاده از زیرساخت‌ها روشنایی در باغ	X ₁₆
			۶۹۹/۰		استفاده از گونه های گیاهی در باغ	X ₁₇
			۶۵۷/۰		خاطره‌مندی در باغ با استفاده از حس بویایی	X ₁₈
۶۸۴/۰					ایجاد چشم انداز خاصی با استفاده از کاشت درختان، وجود آب‌نما و قرارگیری ساختمان‌های باغ	X ₁₉
۴۷۹/۰					کیفیت فضایی با استفاده از کاشت درختان، آب‌نما و قرارگیری ساختمان‌ها	X ₂₀
۴۲۷/۰					سازماندهی فضایی با قرارگیری	X ₂₁

					عناصر موجود در باغ	
۵۹۷/۰			۴۴۵/۰		X ₂₂ وحدت فضایی با قرارگیری عناصر موجود در باغ	
			۵۷۱/۰		X ₂₃ استفاده از مصالح متنوع در فضای باغ	
		۵۹۷/۰			X ₂₄ استفاده از بافت و نقش خاصی در فضا و عناصر باغ	
			۶۸۰/۰		X ₂₅ دور بودن و منزوی بودن فضاها و عناصر باغ	
			۵۹۷/۰		X ₂₆ میزان گستره نظر(وسعت نظر) در زمان بهر مندی از فضا	
۴۳۴/۰					X ₂₇ سازگاری فضاهای تعریف شده در باغ	
		۷۵۴/۰			X ₂₈ میزان تمایل و علاقه از فضاها در باغ	
۲۹/۴					X ₂₉ حس مشارکت در باغ	
		۶۷۹/۰			X ₃₀ تمرکز و تحریک حواس در باغ با توجه به استفاده از عناصر و مبلمان	
۵۴۱/۰					X ₃₁ شادابی در باغ با توجه به استفاده از عناصر و مبلمان	
۴۴۹/۰			۵۶۶/۰		X ₃₂ شناخت و تفکیک فضا در باغ	
۳۶۲/۰			۴۲۹/۰		X ₃₃ حس تعلق در باغ	
۶۷۹/۰					X ₃₄ میزان رویدادهای محلی در زمینه ایجاد حس تعلق به باغ	
۵۲۱/۰					X ₃₅ میزان حس خاطره مندی	
۵۱۲/۰					X ₃₆ میزان حس رضایت از استفاده از فضاها و عناصر	
		۷۴۴/۰			X ₃₇ میزان ارتباطات هویتی و فرهنگی کاربران	
			۵۶۷/۰		X ₃₈ دسترسی به خلوت در باغ	
	۶۷۹/۰				X ₃₉ میزان آگاهی از محیط باغ	

تبیین مولفه های کالبدی منظر باغ های تاریخی شیراز در بین بانوان.....

				۵۲۳/۰	استفاده از فضاها باغ احساس آرامش و حفظ حریم شخصی	X ₄₀
			۵۶۳/۰		ایجاد زمینه ای در جهت پیدا کردن دوست یا گروه های اجتماعی در باغ	X ₄₁
				۷۸۴/۰	میزان ترجیح در استفاده از فضاهای باغ	X ₄₂
	۵۶۷/۰				دسترسی به خلوت در باغ	X ₄₃
			۷۵۶/۰		میزان تمایل شما به گذراندن اوقات فراغت در باغ	X ₄₄

عامل نخست: این عامل در مجموع ۱۸/۷۳ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده است. این عامل با شاخص هایی مانند تقسیم بندی فضای باغ به عمومی و خصوصی، میزان مطلوبیت در زمان ورود به باغ سلسله مراتب فضایی با توجه به قرارگیری عناصر، ارتفاع، رنگ و اندازه آن ها، مرکزیت عناصر موجود در فضا، میزان پویایی فضا در باغ با توجه به قرارگیری عناصری هم چون آب نما و ... دید مناسب به فضاهای درون باغ، دید مناسب به فضاهای بیرون از باغ، سرزندگی فضاهای باغ، استفاده از رنگ های متنوع در باغ، میزان هدفمندی فضایی در باغ، میزان ترجیح در استفاده از فضاهای باغ دارای همبستگی مثبت و بالایی می باشد. این عامل را می توان «بهره گیری از عناصر کالبدی فضاهای باغ به منظور افزایش کیفیت بخشی منظر» نامید.

عامل دوم: این عامل نیز در مجموع ۱۴/۵۹ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده است. این عامل با شاخص هایی مانند وحدت فضایی با توجه به قرارگیری عناصر موجود در باغ، میزان استفاده از مصالح متنوع در فضای باغ، میزان دور بودن و منزوی بودن فضاها و عناصر باغ، میزان گستره نظر (وسعت نظر) در زمان بهره مندی از فضا، شناخت و تفکیک فضا در باغ، حس تعلق، احساس آرامش و حفظ حریم شخصی در باغ؛ دارای همبستگی بالایی می باشد. این عامل را می توان «بهره گیری از عناصر ادراکی فضاهای باغ به منظور افزایش کیفیت بخشی منظر» نامید.

عامل سوم: این عامل در مجموع ۱۱/۵۰۷ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده و با شاخص هایی مانند ایجاد هویت در باغ بر اساس بهره گیری از عناصر

موجود در باغ، سرزندگی فضاهای باغ، استفاده از رنگ‌های متنوع در باغ، هدفمندی فضایی در باغ، تفکیک قلمرویی در باغ، میزان روشنایی فضاها در شب، میزان استفاده از زیرساخت‌ها روشنایی در باغ، بافت و نقش خاصی فضا و عناصر باغ، دسترسی به خلوت در باغ، زمینه‌ای در جهت پیدا کردن دوست یا گروه‌های اجتماعی در باغ، میزان تمایل شما به گذراندن اوقات فراغت در باغ؛ دارای همبستگی مثبت و بالایی می‌باشد. این عامل را می‌تواند «حفظ مرمت و احیاء فضاها و عناصر باغ در جهت ایجاد فضای اجتماع محور و هویت‌دار» نامید.

عامل چهارم: در مجموع ۱۰/۵۹۷ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده و با شاخص‌هایی مانند استفاده از گونه‌های گیاهی در باغ، وجود حس تعلق و خاطره در باغ به واسطه وجود حس بویایی، تمایل و علاقه از فضاها در باغ، تمرکز و تحریک حواس در باغ با توجه به استفاده از عناصر و مبلمان و میزان ارتباطات هویتی و فرهنگی کاربران در باغ؛ دارای همبستگی مثبت و بالایی می‌باشد. این عامل را می‌توان «عامل زیبایی بصری در ایجاد حس تعلق نسبت به باغ» نامید.

عامل پنجم: در مجموع ۹/۳۲۱ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده است. این عامل شامل تقارن بودن عناصر موجود در فضا، میزان وجود آلودگی صوتی در فضاهای باغ، میزان آگاهی از محیط باغ، دسترسی به خلوت در باغ می‌باشد. این عامل را می‌توان «دسترسی و شناخت مناسب از فضاهای باغ» نامید.

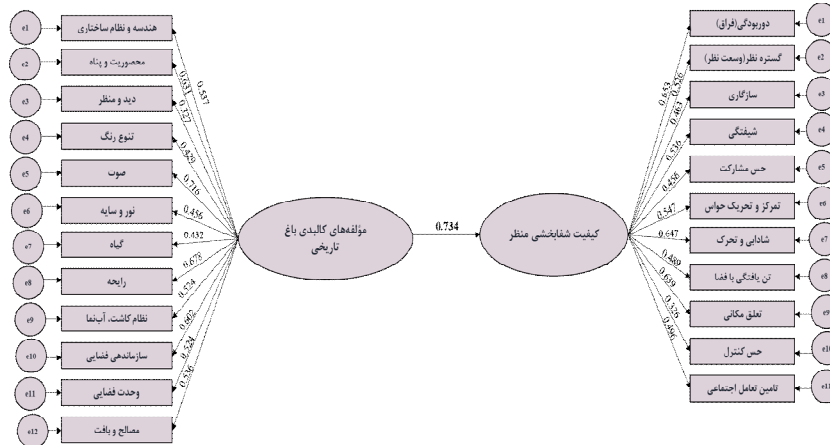
عامل ششم: این عامل ۶/۹۸ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده است. شاخص‌های موجود در این عامل شامل ایجاد چشم‌انداز و افزایش کیفیت فضایی با استفاده از کاشت درختان، وجود آب‌نما و قرارگیری ساختمان‌های باغ، سازماندهی فضایی و وحدت فضایی با توجه به قرارگیری عناصر موجود در باغ، سازگاری فضاهای تعریف شده در باغ، حس مشارکت در باغ، شادابی در باغ با توجه به استفاده از عناصر و مبلمان، شناخت و تفکیک فضا در باغ، حس تعلق، برگزاری رویدادهای محلی در زمینه ایجاد حس تعلق، حس خاطره‌مندی در باغ، و حس رضایت از استفاده از فضاها و عناصر می‌باشد. این عامل را می‌توان «چشم‌اندازهای طبیعی و منظر در جهت افزایش کیفیت بخشی منظر» نامید.

مدل سازی معادلات ساختاری

تحلیل عامل تائیدی به بررسی این مطلب می پردازد که آیا داده های موجود با ساختار به شدت محدود شده پیش تجربی که شرایط همانندی را برآورده می سازد، برازش دارد یا خیر. در این فرآیند، برازش را گاه به اشتباه تائید یک مدل یا ساختار فرضی می دانند. اما باید دانست که هیچ مدلی تائید نمی شود و تنها رد شود (یا داده ها برازش نداشته باشد) با عدم تائید آن به نتیجه نرسد (برازش یابد). چون مدل کامل معادله ساختاری شامل هر دو دسته متغیرهای مشاهده شده و مشاهده نشده است، پارامترهای مدل باید از طریق پیوند بین واریانس و کواریانس های متغیرهای مشاهده شده است، برآورد شود تا میزان برازش داده های گردآوری شده با تاگویی نظری مشخص شود.

حال با توجه به مدل معادلات ساختاری نسبت به ترسیم مدل مفهومی تحقیق اقدام و فرضیه مورد آزمون قرار می گیرد. حال با توجه به مدل معادلات ساختاری نسبت به ترسیم مدل مفهومی تحقیق و آزمون فرضیه تحقیق مبنی بر اثرگذاری مؤلفه های کالبدی باغ های تاریخی بر کیفیت شفاعبختی منظر بانوان مورد آزمون قرار می گیرد. همان گونه که در نمودار شماره ۱ نیز نشان داده شده است. مؤلفه های کالبدی باغ های تاریخی دارای ضریب تعیین برابر ۰/۷۳۴ می باشد و به عبارتی ۷۳/۴ درصد از تغییرات در کیفیت شفاعبختی منظر بانوان تحت تاثیر بارهای عاملی مربوط به مؤلفه های کالبدی باغ های تاریخی قرار دارد.

نمودار ۱. نتیجه آزمون برازش مدل مفهومی تحقیق



مجموعه وسیعی از معیارها و مؤلفه‌های برازندگی وجود دارند که می‌توانند برای اندازه‌گیری کل مدل مورد استفاده قرار گیرند. نکته قابل توجه این است که یک محقق باید از معیارها و مؤلفه‌های مختلفی برای قضاوت در مورد مدل استفاده کند، زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به‌طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد. بنابراین از شاخص‌های متفاوتی برای سنجش برازش الگوی مورد مطالعه در این تحقیق استفاده شد.

جدول ۳- ارزیابی برازش کل مدل

شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی	مقادیر شاخص
Chi-Square	۹۵/۶۵
Degrees of Freedom (df)	۳۰
Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)	۰/۰۷۹۱
Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)	۰/۸۸
Goodness of Fit Index (GFI)	۰/۹۴
Standardized RMR	۰/۰۵۶۴

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی شاخص‌ها نشان دهنده‌ی برازش مناسب و قابل قبول مدل مفهومی تحقیق می‌باشد ($GFI > 0/9$)، ($AGFI > 0/9$)؛ بنابراین براساس برازش الگوی مفهومی پژوهش، هم‌خوانی داده‌های گردآوری شده مورد تأیید واقع می‌شود.

۵- نتیجه گیری

بانوان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، که در جامعه سنتی به عنوان بخشی از استفاده کنندگان از برخی فضاها به صورت محدود بودند، با تغییر جامعه سنتی به مدرن، حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی پررنگ شدند، اما فضاهای معماری و شهری بالاخص فضاهای سنتی متناسب با این افزایش حضور طراحی نشدند. در همین راستا، می توان گفت فضاهای معماری سنتی در ایجاد آرامش روانی و ذهنی برای استفاده کنندگان با محیط پیرامون خود به منظور شفافبخشی برای بانوان نسبت به فضاهای معماری مدرن دارای کاستی هایی باشند. لذا، این مقاله با هدف ارزیابی تأثیرات مؤلفه های کالبدی باغ های تاریخی بر کیفیت شفافبخشی منظر برای بانوان در باغ های تاریخی شهر شیراز صورت گرفته شد.

بر اساس تحلیل یافته ها می توان گفت فرضیه پژوهش مبنی بر اثرگذاری مؤلفه های کالبدی بر کیفیت شفافبخشی منظر برای بانوان مورد تأیید واقع شده است. هم چنین، عوامل اثرگذار بر کیفیت شفافبخشی منظر به ترتیب شامل بهره گیری از عناصر کالبدی فضاهای باغ به منظور افزایش کیفیت بخشی منظر با واریانس ۱۸/۷۳ درصد، بهره گیری از عناصر ادراکی فضاهای باغ به منظور افزایش کیفیت بخشی منظر با واریانس ۱۴/۵۹ درصد، حفظ مرمت و احیاء فضاها و عناصر باغ در جهت ایجاد فضای اجتماع محور و هویت دار با واریانس ۱۱/۵ درصد، عامل زیبایی بصری در ایجاد حس تعلق نسبت به باغ با واریانس ۱۰/۵۹ درصد، دسترسی و شناخت مناسب از فضاهای باغ با واریانس ۹/۳۲ درصد، و چشم اندازهای طبیعی و منظر در جهت افزایش کیفیت بخشی منظر با واریانس ۶/۹۸ درصد بوده است. قابل ذکر است که شاخص های اثرگذار در تحلیل عاملی تأییدی نیز میزان تقسیم بندی فضاها به بخش عمومی و خصوصی، مرکزیت عناصر موجود در فضا، میزان پویایی فضا در باغ با توجه به قرارگیری عناصری مانند آب نما و ...، رنگ های متنوع در باغ، میزان تمایل و علاقه از فضاها در باغ، میزان ترجیح در استفاده از فضاهای باغ و میزان تمایل بانوان به گذراندن اوقات فراغت در باغ های مطالعاتی بوده است.

نتایج بررسی تحلیل عاملی تأییدی به کمک مدل سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد که ۷۳/۴ درصد از تغییرات در کیفیت شفافبخشی منظر بانوان تحت تاثیر بارهای عاملی مربوط به مؤلفه های کالبدی باغ های تاریخی قرار دارد که به ترتیب محصوریت و

پناه، صوت، رایحه، سازماندهی فضایی، وحدت فضایی، مصالح و بافت، هندسه و نظام ساختاری، نور و سایه، تنوع رنگ، نظام کاشت و آب‌نما، گیاه و دید و منظر می‌توانند دارای اثرگذاری بر کیفیت شتاببخشی منظر در باغ‌های تاریخی مطالعاتی باشند.

بر اساس نتایج مطرح شده در راستای کیفیت شتاببخشی منظر در باغ‌های تاریخی راهکارهای زیر را می‌توان ارائه نمود:

- جلوگیری از به وجود آمدن فضاهای رها شده در باغ‌های مطالعاتی؛
- عدم ساخت مسیرهای طولانی به نحوی که در طول آن هیچ مسیر دیگری با آن تداخل نداشته باشد؛
- اختصاص فضاهایی خاص به زنان در باغ‌های مطالعاتی؛
- اختصاص فضاهایی خاص مخصوص استفاده خانواده‌ها در باغ‌های مطالعاتی؛
- تعریف قلمروها با استفاده از دروازه، پرچین نرده و ... در باغ‌های مطالعاتی؛
- بکارگیری تابلوها یا عناصر راهنما در بخش‌های مختلف باغ‌های مطالعاتی؛
- بکارگیری عناصری که بتواند به عنوان نشانه در اذهان عموم نقش ببندد؛
- خوانایی نشانه‌ها و علائم در فضاهای باغ‌های مطالعاتی؛
- قرار دادن نمادها و علائم کافی و مناسب در ورودی‌ها خروجی‌های باغ‌های مطالعاتی؛
- جانمایی مناسب مبلمان شهری در فضاهای باغ‌های مطالعاتی به منظور افزایش قابلیت نمایانی در فضا؛
- استفاده از تنوع مبلمان بر اساس جهت استفاده فردی و گروهی بانوان؛
- استفاده از مسیرها خوانا و قابل تشخیص در باغ‌های مطالعاتی؛
- اختصاص فضاهایی فقط به منظور استفاده بانوان؛
- استقرار ایستگاه‌های پلیس در باغ‌های مطالعاتی؛
- برقراری گشت موتوری یا پیاده پلیس در سطح باغ‌های مطالعاتی؛
- استقرار کاربری‌ها در مناطقی که از نظر ارتفاعی در سطح تراز بالاتری قرار دارند؛
- افزایش رویت پذیری فضا توسط دیگران؛
- عدم ساخت گوشه‌های دنج و فاقد دید عابری در باغ‌های مطالعاتی؛
- هماهنگی نوع و رنگ مصالح در بخش‌های مختلف باغ‌های مطالعاتی؛
- استفاده از برج‌های نوری به منظور روشن نمودن سطوح وسیعی از محدوده باغ.

منابع

- اردلان، نادر (۲۰۰۰) حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: نشرخاک، چاپ اول.
- امین زاده، بهناز (۱۳۸۶)، «مناظر شهری: شفابخشی و مناظر درمانی با طبیعت»، شهرداری ها و دهیاری های کشور، سومین همایش ملی فضای سبز و منظر شهری، شماره ۲۴، ۲۹۸-۲۸۸.
- ایرانی بهبهانی، هما، و خسروی، فخری (۱۳۸۵)، «باغ ایرانی- مکان همبستگی؛ شهر- طبیعت- منظر مورد مطالعاتی: تهران و باغ وحش هایش»، علوم محیطی، دوره ۳، شماره ۱۲، ۸۷-۷۹.
- تامس پریتموزیک، دنیل (2009) مرلوپونتی، فلسفه و معنا، ترجمه محمدرضا ابولقاسمی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- پوردیهیمی، شهرام، و سیدکلال، ساسان (۱۳۹۱)، «فضای منظر؛ پیوندگاه فرهنگ و طبیعت»، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۱، شماره ۱۳۸، ۲۸-۱۷.
- پوردیهیمی، شهرام، و نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۱)، «هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی»، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱، ۱۸-۳.
- توکلیان، فائزه، و شاه چراغی، آزاده (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی معیارهای منظر شفابخش و توصیه های حکیم ابوعلی سینا در کتاب قانون»، نخبگان علوم و مهندسی، دوره ۳، شماره ۳، ۱۴۴-۱۳۳.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳)، «صورخیال شهر را پاک کرده ایم»، رایانه- معماری و ساختمان، شماره ۳، ۱۱۷-۱۱۵.
- خلیلی، احمد و همکاران (۱۳۹۴)، «ارزیابی سیاست های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی جهت بهبود آن»، مطالعات شهری، دوره ۴، شماره ۱۳، ۸۳-۹۲.
- رحیمی مهر، وحیده و همکاران (۱۳۹۶)، «ایجاد فضاهای شفابخش در بیمارستان ها با نگرش به آموزه های طب سنتی ایران. طب سنتی اسلام و ایران»، دوره ۸، شماره ۴، ۴۶۲-۴۵۱.
- ساعی، علی و همکاران (۱۳۹۹)، «تحلیل رابطه ادراک از کیفیت حکمرانی و

- سرمایه اجتماعی مورد مطالعه: زنان شهر کرج»، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۴۳، ۳۴-۹.
- سرایی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۱)، «عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران (مطالعه موردی: منطقه ۸ مشهد)»، برنامه ریزی منطقه ای مرودشت، دوره ۲، شماره ۷.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) کتاب سبز شهرداری، تهران: وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، چاپ ۳.
- طاهری، شیما، و شبانی، امیرحسین (۱۳۹۵)، «اصول مفهومی و کاربردی طراحی باغ های شفابخش برای جانبازان PTSD با تمرکز بر تئوریهای کاهش استرس - مطالعه مروری»، نشریه طب نظامی، دوره ۱۸، شماره ۳، ۲۴۱-۲۳۰.
- علی محمدی، فرزانه و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی تأثیر تغییرات فرهنگی بر محرمیت در ورودی خانه‌های سنتی دوره قاجاریه (نمونه: خانه‌های سنتی شهر قزوین)»، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۰، شماره ۲۷، ۱۴۰-۱۱۵.
- فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۶۶-۵۷.
- کاظمیان پور، زهره، و قلی قورچیان، نادر (۱۳۹۶)، «تأثیر فرهنگ بر متغیرهای اجتماعی؛ مقایسه ی مفهوم شادمانی در شهر تهران و روستای ارزنه»، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۲، شماره ۳۳، ۹۹-۷۳.
- کیانی، مصطفی، و پورعلی، مصطفی (۱۳۹۱)، «بازشناسی مکان، مطالعه موردی: میدان شهرداری رشت»، نشریه نامه معماری و شهرسازی، دوفصلنامه‌ی دانشگاه هنر، دوره ۴، شماره ۸، ۷۳-۵۹.
- گلی، علی و همکاران (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه ی موردی: پارک ائل گلی تبریز)»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶۹، ۱۳۶-۹۷.
- لنگ، جان (۱۹۸۷) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- مجنونیان، هنریک (۱۳۷۴)، پیرامون پارکها، فضای سبز و تفرجگاه ها، تهران:

تبیین مولفه های کالبدی منظر باغ های تاریخی شیراز در بین بانوان

- انتشارات سازمان پارک ها- فضای سبز شهر تهران- کتاب سبز شهرداری، چاپ اول.
- مجیدی خامنه، بتول و همکاران (۱۳۹۹)، «تحلیل مولفه های تاثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی سبز مورد پژوهی: پارک نیاوران، منطقه یک شهرداری تهران»، آمایش محیط، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۲۰-۱.
- مطلبی، قاسم، و وجدان زاده، لادن (۱۳۹۵)، «شناخت عوامل موثر در آفرینش محیط های شفابخش»، صفا، دوره ۲۶، شماره ۷۲، ۴۸-۲۵.
- مقتدر، محمدرضا و دیگران (۲۰۰۴)، باغ ایرانی انعکاسی از بهشت، ترجمه موسسه مندرسین مشاور آران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی ایران، چاپ ۱.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷)، «در جستجوی شهرهای انسانی تر»، جستارهای شهرسازی، سال ۷، شماره ۲۴ و ۲۵، ۱۹-۶.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، «تأثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی»، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، ۷۶-۶۲.
- نوربرگ شولتر، کریستین (۲۰۰۲) معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، تهران: معمارنشر، چاپ سوم.
- نیلی، ریحانه و همکاران (۱۳۹۲)، «شفابخشی در منظر سازی باغ های دوره قاجار»، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۵، شماره ۱۱، ۱۸۰-۱۶۷.
- نیلی، ریحانه و همکاران (۱۳۹۱)، «چگونگی بازتاب شاخصه های مناظر شفابخش در الگوی منظر باغ ایرانی»، باغ نظر، شماره ۲۳، ۷۴-۶۵.
- هاشمین، سیدابوالفضل و همکاران (۱۳۹۸)، «بررسی تاثیر باغ شفابخش بر سلامت روان بیماران با تاکید بر کاهش اضطراب»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۱، شماره ۱۲، ۲۷۶-۲۶۳.
- Cooper Marcus, Clare. Barnes, Marni (1999). *Healing Gardens: Therapeutic Benefits and Design Recommendation*. New York, NY: Wiley series, 1st Edition.
- Devlin, Ann Sloan. Arneil, Allison B (2003). *Health Care Environments and Patient Outcomes: A Review of the Literature*. *Environment and Behavior*, 35(5),94-665.
- Gesler, W. M. (1991). *The cultural geography of health care*.

Pittsburgh, PA: University of Pittsburgh Press.

- Hansmann, Ralf. Hug, Stella-Maria. Seeland, Klaus (2007). Restoration and Stress Relief through Physical Activities in Forests and Parks. *Journal of Urban Forestry & Urban Greening*, Volume 6, Issue 4, 213-225.

- Harvay, David. (1996). *Justice, Nature and The Geography of difference*. Cambridge, Mass. Blackwell Publishers, Malden A Blackwell.

- Kaplan, Rachel. Kaplan, Stephen (1989). *The experience if nature: a psychological perspective*. Cambridge University Press, Cambridge, 1st Edition.

- Lemprecht, B .(1996). *The gap between design and healing*. *Metropolis*, 77.

- Rarsons, Russ. (1991) The potential influences of environmental perception on human health. *Jurnal of Environ*, Volume 11, Issue 1, Pages 1-23.

- Peart, Raewyn. (2003). A Place to Stand: The Protection of New Zealand's Natural and Cultural Landscapes. Environmental Defence Society, *Auckland, New Zealand, NZ*.

- Stephenson, Ed. (2008). *Land and Life: A Selection from the Writings of Carl Ortwin Sauer*. University of California Press, Berkley.

- Turner, Tom. (1996). *City as landscape: A post-postmodern view of design and planning*. *Built Environment*, London: Taylor and Francis, 1st Edition.

- Ulrich, Roger S. (1984). View through a window may influence recovery from surgery. *Science*, Volume 224, Issue 4647 [PubNed].

